

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸

ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین در مصداق یابی دو پیروزی آغاز سوره

طاهر هسادات طباطبایی امین^۱

چکیده

در آغاز سوره مبارکه اسراء سخن از دو فساد بزرگ، علو (سلطه و سرکشی) بزرگ، و دو شکست بنی اسرائیل در پی هر فساد است. برای تعیین بارزترین مصداق های تاریخی این مفاهیم؛ پژوهش حاضر، با مطالعه تحلیلی - تطبیقی، براساس منابع فریقین، به این نتیجه رسید که: مصداق فساد اول بنی اسرائیل در آیات مذکور، توطئه های یهود در صدر اسلام می باشد. شکست اول بنی اسرائیل نیز در ماجرای فتح بیت المقدس به دست یاران حضرت علی علیه السلام بوده است که مقابله مسلمانان با یهود دست نشانده رومیان شام، آن یهودیان را به خواری کشاند. علو و سلطه بزرگ و سرکشی آنان: تشکیلات سیاسی زمان معاصر و ایجاد حکومت غاصب اسرائیل است. فساد دوم: نیز مربوط به همین زمان است که اسرائیل بر بخش عظیمی از جهان سلطه دارد و به فساد و ستم در ابعاد مختلف پرداخته است، اما شکست نهایی اسرائیل براساس وعده الهی آن است که به دست یاران (و منتظران) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آستانه ظهور، یا به دست خود حضرت در زمان پس از ظهور خواهد بود. قرائن پیوسته لفظی مؤید این فرضیه عبارتند از: دلالت الفاظ

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده علوم قرآنی تهران
(tabatabaei@quran.ac.ir).

عباد لنا) و (لیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة). قرائن گسسته برای اثبات این فرضیه عبارتند از: روایات فضیلت تلاوت سوره اسراء، و روایات تطبیق. این قرائن از جمله شواهدی است که ارتباط سوره با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را ثابت می‌کند.

واژگان کلیدی

تفسیر سوره اسراء، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، فساد یهود، سلطه و علو، شکست بنی اسرائیل.

مقدمه

به دلیل تباهی‌ها و کارشکنی‌های بنی اسرائیل، این قوم در قرآن کریم فراوان یاد شده‌اند. یکی از فرازهای قرآنی مهم مرتبط با بنی اسرائیل، در سوره مبارکه اسراء آیات ۴-۸ می‌باشد که سخن از دو فساد، و علو بزرگ، و دو شکست این قوم در پی آن فسادها دارد. از این آیات بر می‌آید که بنی اسرائیل در برهه‌ای از تاریخ به فساد و تبهکاری می‌پردازند، که منجر به شکست آنان از یک گروه مقتدر می‌گردد. هم‌چنین پس از این شکست، سخن از علو و سلطه دوباره بنی اسرائیل است. در این علو باز هم به فساد و تبهکاری می‌پردازند، و وعده خدا این است که همان گروه مقتدر دوباره وارد مسجد شده، بنی اسرائیل را روسپاه و تار و مار می‌کنند.

مفسران در تعیین مصادیق تاریخی این فسادها و شکست‌های بنی اسرائیل اختلافات زیادی دارند. پژوهش حاضر، با مطالعه تحلیلی - تطبیقی، با روش کتابخانه‌ای براساس منابع فریقین، در پی پاسخ به این سؤال‌هاست:

براساس دلالت الفاظ، و با توجه به سیاق آیات آغازین سوره اسراء، چگونه می‌توان ابهامات و اختلافات تفسیری را حل نمود؟

فساد اول بنی اسرائیل، شکست اول آنان، علو آنان، فساد دوم، و شکست دوم (یا آخرشان)؛ براساس شواهد تاریخی بر چه مصادیقی منطبق است؟

سوره اسراء چه ارتباطی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دارد؟ این ارتباط بر چه قرائن پیوسته و گسسته‌ای استوار است؟

لازم به ذکر است که درباره آیات ابتدای سوره اسراء علاوه بر مطالب مذکور در تفاسیر قرآن، مقالاتی نوشته شده اما هم‌چنان در تبیین دلالتی و تفسیر آیات، و نیز یافتن مصادیق تاریخی غلبه‌ها و شکست‌های مذکور، اختلافات زیادی وجود دارد. هیچ‌یک از مقالات و تفاسیر، پاسخ روشن و کاملی برای سؤالات فوق ذکر نکرده‌اند. به علاوه در این آثار کمتر کسی به جایگاه



مهذویت در این سوره اشاره کرده است.

معرفی موضوعات محتوایی سوره اسراء

سوره اسراء شامل موضوعات مهمی است که غالباً با قوم بنی اسرائیل و یهود مرتبط است. برخی مطالب مذکور در این سوره عبارتند از: اسراء یا سفر شبانه پیامبر ﷺ به مسجدالاقصی، عقیده توحید در تورات، وجود گزارش دو فساد، علو و دو شکست بنی اسرائیل. عقیده تفویض و اختیار، براساس دیدگاه تورات پژوهان (فرزین، ۱۳۸۵ ش: ۶۹) جزء عقاید اساسی یهود می باشد.

فضای این سوره حامل حوادث تاریخ بنی اسرائیل، تعجیزها، مناظرات آنها به هدف نادان جلوه دادن پیامبر اکرم ﷺ و تلاش برای لغزاندن موضع ایشان، و نیز دلداری خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می باشد. (دروزه، ۱۳۸۳ ق: ج ۳، ۳۵۲) این سوره را علاوه بر مبدأ و معاد و... حاوی عوامل عزت و ذلت جامعه بنی اسرائیل به علت اعمال اختیاری خودشان طبق سنت همیشگی خداوند می دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۱۳، ۷).

چنان که ملاحظه شد فضای کلی سوره اسراء ارتباط تنگاتنگی با یهود دارد. شاید به همین دلیل است که نام دوم این سوره «بنی اسرائیل» نهاده شده است.

تفسیر آیات ابتدای سوره اسراء با توجه به دلالت الفاظ کلیدی

«... وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوَءَ أَوْجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَشْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُزَحِّمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»

... در آیات ۴-۸ سوره اسراء سخن از دو فساد و دو شکست بنی اسرائیل است: بدین شکل که ابتدا بنی اسرائیل به فساد و تبهکاری می پردازند، و منجر به شکست یهود از سوی گروهی می شود که تعبیر قرآن درباره آنها چنین است: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ». هم چنین پس از این شکست، سخن از این است که بنی اسرائیل به یاری عده زیاد و عده قوی خدادادی، سلطه گسترده خود را باز پس می گیرند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»، سپس یهود برای بار دوم باز به فساد و تبهکاری

می پردازند. و وعده خدا این است که همان گروه اول دوباره وارد مسجد می شوند ﴿وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾، بنی اسرائیل را روسیاه و تار و مار می کنند ﴿لَيْسُوءَ وَأُجُوهَكُمْ و لیتبروا ما علوا تتبیرا﴾.

در این بخش، دیدگاه‌های مفسران در دلالت الفاظ و مفاهیم آیات، و حل اختلافات تفسیری مطرح می شود. در بخش بعد دیدگاه‌های مختلف در تطبیق آیات بر مصادیق تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از ورود به بحث، به غرض و محور اصلی سوره اشاره می شود.

غرض سوره اسراء و ارتباط آن با بنی اسرائیل

بنابر دیدگاه اکثر مفسران، میان آیات یک سوره تناسب محتوایی وجود دارد و هر سوره دارای محور موضوعی مشخصی است. یکی از راه‌های کشف غرض سوره که مورد استفاده محققان علم تناسب سور بوده، روش مطالعه قرائن و نشانه‌هاست. از جمله این نشانه‌ها: نام‌های سوره، روایات فضیلت سوره، واژگان کلیدی سوره، مضمون آیات مطلع، محتوای قصه‌های مطرح شده در سوره، و تناسب آن با سور هم جوار است. (خامه‌گر، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۶۶) اما در خصوص سوره اسراء که نام دیگرش، بنی اسرائیل است؛ باید گفت نه تنها خود این سوره فرازهایی از داستان قوم حضرت موسی علیه السلام را مطرح کرده؛ بلکه بخش عظیمی از سوره‌های هم جوار که پیش از سوره اسراء در مکه نازل شده‌اند، نیز حاوی فرازهای متعددی از زندگی حضرت موسی علیه السلام هستند. برای مثال: ۷۰ آیه از سوره اعراف (سی و نهمین سوره نازله)، ۹۰ آیه از سوره طه (چهل و پنجمین سوره نازله)، ۶۰ آیه از شعراء (چهل و هفتمین سوره نازله)، ۸۸ آیه از نمل (چهل و هشتمین سوره نازله)، ۸۸ آیه از قصص یعنی حدود کل سوره (چهل و نهمین سوره نازله). باتوجه به موقعیت سوره اسراء نسبت به این سوره در ترتیب نزول، گویا با هر بار افسادگری یهود مکه در صدر اسلام، سوره‌ای می آمده تا با یادآوری فسادهای مکرر و چند هزار ساله قوم حضرت موسی علیه السلام، موجب تسلی و دلداری مسلمانان صدر اسلام باشد.

لازم به ذکر است که درباره ترتیب نزول سوره‌ها روایاتی در دست است که عمدتاً از ابن عباس نقل شده و براساس آنها ۸۶ سوره مکی و سپس ۲۸ سوره مدنی به ترتیب نزول، فهرست شده‌اند. (معرفت، ۱۳۸۱: علوم قرآنی، ۸۹-۹۰) براساس این روایات، سوره اسراء مکی و پنجاهمین سوره نازله است.

نام دوم این سوره (بنی اسرائیل)، و مطلع آن (سفر اسراء): گویای ارتباط فرعی سوره با توطئه‌های این قوم بر ضد مسلمانان است. شاید سفر شبانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یک نوع تسلی الهی

برای ایشان و پیروان شان بوده است. اما غرض اصلی سوره: وعده شکست نهایی این قوم در آینده می‌باشد.

دیدگاه‌های تفسیری پیرامون مفهوم عبادت در «عِبَادًا لَنَا»

در تفسیر این عبارت، دو دیدگاه وجود دارد. برخی مفسران، معنای عبودیت تکوینی از سوی انسان‌هایی شرور را برداشت کرده‌اند. برخی دیگر معنای عبادت خالص تشریحی از سوی بندگان مؤمن خداوند را دریافته‌اند. عبودیت تکوینی یعنی اینکه همه موجودات ناخواسته در برابر قوانین آفرینش خداوند خاضعند (حتی افراد شرور) و عبادت تشریحی یعنی انسان‌های خالص با میل و اراده خویش خدا را عبادت و اطاعت می‌کنند.

دیدگاه اول: معنای عبودیت تکوینی - نقد و بررسی

اکثر مفسران، مصداق «عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» را قومی شرور گرفته‌اند که در گذشته خداوند آنها را بر بنی اسرائیل مسلط کرده و به وسیله آنها، از اینها انتقام گرفته است. آنها می‌گویند: دلیلی نمی‌یابیم که عِبَادًا لَنَا را بندگان مؤمن بدانیم، بلکه ممکن است آنها کافرانی باشند که خداوند برای انتقام، آنها را بر بنی اسرائیل مسلط کرده است. (حجازی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۵۵؛ طباطبایی، ج ۱۳، ۴۰)؛ این مفسران برای دفاع از این تفسیر، مفهوم عبادت در عِبَادًا لَنَا را عبودیت تکوینی دانسته‌اند. (جوادی آملی، ذیل آیه) اما شواهد و قرائنی وجود دارد که این تفسیر را با نقد جدی روبرو می‌کند.

نقد اول براساس شاهد لغوی: لغت‌دانان عبادت با حرف جر «لام» را، تشریحی می‌دانند: «لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ عِبْدٌ لِلَّهِ، فَإِنَّ الْعَبْدَ عَلَىٰ هَذَا بِمَعْنَى الْعَابِدِ، لَكِنَّ الْعَبْدَ أْبْلَغُ مِنَ الْعَابِدِ، وَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ بَلِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا كَذَلِكَ». (راغب اصفهانی، ۵۴۲) یعنی هر انسانی عابد (به معنای تشریحی) نیست، اما همه مردم و حتی همه اشیاء عبد (به معنای تکوینی هستند). ملاحظه شود که راغب نیز عِبْدًا لِلَّهِ را به مفهوم عبادت تشریحی، و عِبْدًا لِلَّهِ را به مفهوم عبودیت تکوینی به کار برده است.

نقد دوم براساس بسامدهای قرآنی: اگرچه مشتقات عبادت در قرآن کریم گاهی به معنای عبودیت تکوینی است، مانند: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ» (یس: ۳۶)؛ اما در آیه مورد بحث، حرف جر لام در لنا قرینه پیوسته‌ای است که معنا را به عبادت تشریحی مصروف می‌کند. مشتقات «عبد» همراه با حرف جر «لام»، فقط ۶ مورد در قرآن کریم آمده که همگی حکایت از عبودیت تشریحی دارد:

﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ (اسراء: ۵) ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره: ۱۳۸)؛ ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (انبیاء: ۷۳)؛ ﴿قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ﴾ (انبیاء: ۵۳) (پرستش تشریعی بت‌ها)؛ ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ...﴾ (آل عمران: ۷۹)؛ ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ...﴾ (نساء: ۱۷۲).

حتی یک بسامد قرآنی یافت نشد که مشتقات «عبد» همراه با حرف جر «لام» عبودیت تکوینی را برساند.

نقد سوم بر اساس قرائن پیوسته: فعل بعثنا در آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ»، قرینه متصل دیگری است که نظریه عبادت تشریعی و مؤمن بودن قوم غالب بر بنی اسرائیل را تقویت می‌کند. زیرا لغت دانان براین باورند که بعثنا در قرآن معمولاً برای ایجاد یک تحول، یا فرستادن شخصی برای یک مأموریت مهم با اهداف مقدس، به کار رفته است. مثل بعثت انبیاء الهی یا نقبای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۰۲) به علاوه پژوهشگران می‌گویند:

این فعل در روایات، برای قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کاربرد فراوان دارد. (اخوان مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۰)

اگرچه مشهور مفسران، عِبَادًا لَنَا را بر بخت النصر، طالوت، پادشاه روم، یا هیتلر تطبیق داده‌اند، اما معدودی از مفسران به این نکته توجه کرده‌اند که هیچ کدام از این نظریه‌ها با کلمه بَعَثْنَا که معمولاً برای قیامت و بعثت انبیاء به کار می‌رود، و «عِبَادًا لَنَا» که برای افراد مؤمن بکار رفته است، سازگار نیست. بر این اساس نتیجه می‌گیرند که شاید نظر آیه به آینده‌ای باشد که هنوز نیامده است. (قرآنی، ج ۵، ۲۲)

دیدگاه دوم: معنای عبادت تشریعی خالصانه - نظر برگزیده

چنان‌که از نظر گذشت، کاربرد قرآنی واژه عبادت با حرف جر «لام»، مفهوم عبادت تشریعی را می‌رساند. پس مراد خداوند این است که ما بندگان مؤمن مقتدر خود را بر می‌انگیزیم تا بنی اسرائیل را به کیفر ستم و فسادشان برسانند. لازم به ذکر است که تعداد اندکی از مفسران، این مفهوم را از این عبارت استنباط کرده‌اند. (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۲، ۳۰؛ قرآنی، ج ۵، ۲۲) اما اکثر مفسران چون عبودیت تکوینی را از این عبارت دریافته‌اند (طباطبایی، ج ۱۳،

۴۰؛ جوادی آملی، ذیل آیه)، لذا در مصداق یابی نیز راه خطا رفته‌اند. از نظر آنها مصداق دو قوم پیروز، افراد کافر ستم‌کارند.

در مبحث شواهد روایی (پایان مقاله حاضر)، روایاتی ارائه خواهد شد که عبارت عِبَادًا لَنَا را بر امام معصوم و اصحابش تطبیق داده‌اند. این روایات قرائن منفصلی هستند که معنای عبادت تشریحی را در عِبَادًا لَنَا تقویت می‌کنند.

دیدگاه‌ها در ویژگی‌های دو قوم پیروز: «أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ»

درباره ویژگی‌های دو قومی که در دو برهه مختلف بر بنی اسرائیل چیره می‌شوند، دو دیدگاه تفسیری مطرح شده است. برخی این دو قوم را شرور و تبه‌کار دانسته، و برخی دیگر آنان را قومی مؤمن و مقتدر دانسته‌اند.

دیدگاه اول: شرارت و عصیان - نقد و بررسی

بدیهی است مفسرانی که عِبَادًا لَنَا را به مفهوم عبودیت تکوینی می‌دانند، این وجه تفسیری را مطرح می‌کنند. این محققان، در تفسیر این آیه «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوَءَ أَوْجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوُا تَتَّبِعُوا» (اسراء: ۷) بر آنند که قوم پیروز در وهله دوم قومی شرور و تبه‌کارند که در مقابل یهود قد علم می‌کنند و جنگ و خونریزی را به داخل مسجد الاقصی می‌کشانند، و یهود ستم‌کار را تار و مار می‌کنند. مفسران در تأیید این دیدگاه به حرمت جنگ و خونریزی در مساجد استناد کرده‌اند. (جوادی آملی، ذیل آیه) اما این تفسیر با نقدهای جدی مواجه است.

نقد اول: صرف ورود به مسجد، دلیل بر خونریزی در مسجد نمی‌باشد. خصوصاً که در آیه، لفظی مشاهده نمی‌شود که دلالت بر خونریزی و هتک حرمت مسجد و اماکن مقدس داشته باشد.

نقد دوم: عبارت «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوُا تَتَّبِعُوا» به معنای تار و مار کردن یهود است. می‌توان احتمال داد که ورود آن مؤمنان مقتدر به مسجد الاقصی بدون خونریزی باشد، که این ورود با روسیاهی یهود همراه خواهد بود.

نقد سوم: عبارت «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوُا تَتَّبِعُوا»، که به معنای نابود کردن می‌باشد، به لحاظ دلالتی می‌تواند در مرحله بعد از زمان ورود به مسجد و بیرون مسجد باشد.

نقد چهارم: شاید در آن درگیری آینده، یهود که با اعتقادات مسلمانان آشنا هستند به مسجد پناه می‌برند تا از مرگ بگریزند و جان خود را حفظ کنند، لذا قوم پیروز «عِبَادًا لَنَا» ناچار می‌شوند

برای اخراج این کافران وارد مسجد شوند.
به هر روی از نظر نگارنده، آیه ۷ دلالتی بر این ندارد که این فاتحان وعده دوم الهی،
شخصیت شرور و کریهی داشته باشند.

دیدگاه دوم: رشادت و اقتدار - نظر برگزیده

دو قومی که در دو مرحله، بنی اسرائیل را شکست می دهند، از نظر نگارنده مردمی مؤمن و
شجاع و مقتدرند. تفسیر عبارت عِبَادًا لَنَا، به مفهوم عبادت خالص تشریحی، مؤید این نظریه
است. علاوه بر نقدهای وارد بر مفهوم شرارت قوم پیروز؛ در الفاظ و مفاهیم آیات عبارتی وجود
ندارد که حاکی از شرارت و کفر و عصیان این قوم باشد: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ
فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا
الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِرُوا مَا غَلَوُا تَثْبِيرًا». برخی تفاسیر این معنی را تأیید کرده اند.
(قرائتی، ج ۵، ۲۱)

دیدگاهها در خصوص مفهوم این همانی دو قوم پیروز بر بنی اسرائیل - تحلیل

از تعابیر موجود در آیات مورد بحث بر می آید قومی که در مرحله دوم، بر بنی اسرائیل غلبه
می کنند، همان قومی هستند که در مرحله اول غلبه کرده اند. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ
عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ... ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ
لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ...»

در یکسان بودن دو قوم پیروز شکی نیست و این امر از ظاهر الفاظ «رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»
و نیز «كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ» و سیاق آیات، به ذهن تبادر می نماید. اکثر مفسران این همانی را
پذیرفته اند، یعنی برای این دو قوم، وجوه مشترکی قائلند؛ با این اختلاف تفسیری که یا به
لحاظ شرارت و معصیت مانند یکدیگر بوده اند (جوادی آملی، ذیل آیه)؛ یا شباهتشان از جهت
دیگری است. در بحث پیشین دیدگاه شرارت و معصیت دو قوم پیروز مورد نقد قرار گرفت و
معلوم شد که وجه مشترک این دو قوم ایمان و شجاعت و اقتدار آنهاست. تنها معدودی از
مفسران در این همانی دو قوم، تردید کرده اند. (طباطبایی، ج ۱۳، ۴۵)

دیدگاهها در تطبیق مصادیق تاریخی دو فساد، علو و دو شکست بنی اسرائیل

هرچند فسادها و شکست های یهود در تاریخ بی شمار است، و آیات مورد بحث، بر مصادیق
متعددی قابل تطبیق است؛ اما آیات اسراء دو فساد بزرگ و آشکارا نشان گرفته است که ظاهراً
بزرگ ترین فسادها در تاریخ این قوم است. پس بدیهی است که اگر میان دو مصداق تردید

حاصل شد، مصداق بارزتر و عظیم‌تر ترجیح دارد.

دیدگاه‌ها درباره تعیین مصداق تاریخی فساد اول بنی اسرائیل

بر اساس مطالعه تطبیقی تفاسیر می‌توان مصداقی برای فساد اول بنی اسرائیل در سوره اسراء ارائه نمود:

دیدگاه اول: قتل حضرت زکریا - نقد

اکثر مفسران در باره مصداق تاریخی فساد اول یهود سکوت کرده اند، اما برخی، قتل حضرت زکریا علیه السلام را مصداق فساد اول بنی اسرائیل در این آیات دانسته اند. (طبری، ج ۱۵، ۱۴؛ زمخشری، ج ۲، ۶۵۰؛ آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱)

نقد: کشتار پیامبران الهی در میان بنی اسرائیل فراوان رخ داده است. بنابراین قتل یک پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند مصداق ارجح برای فساد اول مذکور در آیات باشد. خصوصاً که با کاوش تاریخ، فسادهای برجسته‌تری یافت می‌شود.

دیدگاه دوم: تشکیل دولت اسرائیل - نقد

برخی محققان تشکیل دولت اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم را مصداق فساد اول در آیات دانسته اند. (انصاری، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۲۸۲)

نقد: از نظر نگارنده تشکیل دولت اسرائیل می‌تواند مصداقی برای شروع علو مذکور در آیه باشد که مقدمه ای است برای فساد دوم، نه مصداق فساد اول. اما فساد اول مصداق مناسب‌تری می‌طلبد که اینک در نظریه برگزیده مطرح می‌گردد.

دیدگاه سوم: توطئه‌های همه‌جانبه یهود در صدر اسلام - نظر برگزیده

فساد اول بنی اسرائیل در آیه، از نظر نگارنده بر فساد یهود در جامعه صدر اسلام قابل تطبیق است که به شیوه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی صورت گرفت. محدودی از محققان اهل سنت نیز در تأیید این نظریه، کارشکنی‌های یهود در صدر اسلام را به عنوان بارزترین مصداق تاریخی برای فساد اول مطرح کرده‌اند. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۲۱۴؛ الخالدی، ۱۹۹۸م: ۳۴۹-۳۲۷)

گستره فساد و توطئه یهود صدر اسلام در چهار محور قابل ارائه می‌باشد: قبل از ظهور اسلام، سپس در مکه، در مدینه و بالاخره فسادشان در شام.

شواهد فساد یهود بر ضد اسلام قبل از ظهور اسلام

قبل از ظهور اسلام یهود، انگیزه مهمی برای دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند: آنها مایل بودند

که ختم نبوت در نسل اسحاق باشد؛ وقتی در کتاب آسمانی خویش دیدند پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نسل اسماعیل و از نژاد عرب می‌باشد، اُخبار یهود کوشیدند تا نام محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای او را از اُسفار محوکنند و ذکر نام ایشان را در کتب خود ممنوع اعلام کنند. این‌ها قدیمی‌ترین اقدامات خصمانه‌ای بود که قرن‌ها قبل از ظهور اسلام توسط منافقان یهود صورت گرفت. (عارف کشفی، ۱۳۸۸: ۲۲۹-۲۳۴)

شواهد فساد یهود در مکه

سور مکی شامل خطاب‌هایی است که ثابت می‌کند بنی‌اسرائیل، در مکه با مسلمانان درگیر بوده‌اند: ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (شعراء: ۱۹۷) دشمنی یهود در مکه به انحای مختلف گزارش شده است. آنها به شکل فرهنگی و نرم با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مناظرات تعجیزی برگزار می‌کردند؛ حقایق کتاب مقدس پیرامون محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای او را کتمان می‌کردند؛ مسلمانان را وسوسه می‌کردند که پیامبر را در مناظرات علمی مغلوب کنند. بدین منظور یهود مدینه سؤال‌های تعجیزی خود را طرح می‌کردند و در اختیار مکیان می‌گذاشتند تا مسلمانان مکه را از اطراف پیامبر دور کنند. (میبدی، ۱۳۷۱ ش: ج ۵، ۶۱۳)

شواهد فساد یهود در مدینه

به یک نمونه از اقدام‌های یهود در مدینه اشاره می‌شود: در سرزمین مدینه سه گروه از یهود زندگی می‌کردند: «بنی‌نضیر»، «بنی‌قریظه» و «بنی‌قینقاع» که در اصل اهل حجاز نبودند ولی چون در کتب مذهبی خود خوانده بودند که پیامبری در مدینه ظهور می‌کند، به این سرزمین کوچ کردند، و در انتظار این ظهور بزرگ بودند. هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه هجرت فرمود با آنها پیمان عدم تعرض بست، ولی آنها هر زمان فرصتی یافتند از نقض این پیمان فروگذار نکردند. (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۳، ۴۸۴) لذا به فرمان پیامبر، مسلمانان به محاصره یهود اقدام نمودند و آنها قبل از هرگونه درگیری، ناچار عقب‌نشینی کردند، و سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یهود را از مدینه اخراج کرد. (طبرسی، ج ۹، ۳۸۷؛ طباطبایی، ج ۱۹، ۲۰۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۳، ۴۸۴؛ جعفریان، ۱۳۸۳: سیره رسول الله، ۵۰۴)

سوره مبارکه حشر گوشه‌ای از فساد یهود را ذکر می‌کند: از جمله آیه «وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ﴾ (حشر: ۳)، که به عهدشکنی یهود با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره دارد. نقض پیمان‌ها و توطئه برای ترور پیامبر منجر به تبعید یهود شد. (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۳، ۴۸۴)

شواهد فساد بی نظیر یهود در شام پس از تبعید

وقتی یهود از مدینه اخراج شدند پیامبر اجازه نداد که سلاح از خانه‌های خود بردارند. (طبرسی، ج ۹، ۳۹۰؛ طباطبایی، ج ۱۹، ۲۱۵) بسیاری از آنها پس از تبعید، مقیم اذرعات شام و اریحا شدند. (طبرسی، ج ۹، ۳۸۷؛ طباطبایی، ج ۱۹، ۲۰۸؛ جعفریان، ۱۳۸۳: سیره رسول الله، ۵۰۴) شام مهم‌ترین پایگاه یهود در زمان اسلام بوده و بزرگ‌ترین اقدام فتنه‌جویانه بنی اسرائیل در شام تألیف متن محرّف تورات بود. (البدری، ۱۴۲۶ق: ۱۵۴)

سوره مائده که سال‌های اواخر عمر مبارک حضرت رسول ﷺ در مدینه نازل شد، گزاره‌هایی در بر دارد که نشان می‌دهد یهود (بنی قریضه، بنی نضیر، بنی قینقاع) در بیت المقدس بدون تشکیلات سیاسی به توطئه روان و نرم خود ادامه دادند.

اگرچه مفسران به تفسیر تاریخی جزئیات این ماجرا نپرداخته‌اند؛ اما از نظر نگارنده سوره مائده به ویژه آیات ۳۲-۶۴ ارتباط زیادی با فساد یهود در آن برهه تاریخ دارد:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ... (۳۳) ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ... (۵۱) ... يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ... (۴۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵) ... وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ... كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۶۴)﴾

این آیات، پس از تبعیدشان به شام نازل شد، که فسادشان به شکل برنامه‌ریزی برای نابودی اسلام بود. بسا همین خصومت‌های پنهان منجر به جریان سقیفه شده که لابلای آیات فوق به ولایت بلا فصل حضرت علی علیه السلام تصریح شده است. (مائده: ۵۵) گفتنی است سوره مائده سهم قابل توجهی در تبیین مسئله ولایت و امامت دارد که شرح آن خارج از هدف این نوشتار می‌باشد. لذا به حدیثی از امام باقر علیه السلام بسنده می‌شود که در تفسیر آیه ﴿كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ...﴾ (مائده: ۶۴) فرمود:

كُلَّمَا أَرَادَ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ هَلَكَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَصَمَهُ اللَّهُ؛ (قی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۷۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹، ۱۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۳۳۲، ح ۳۲۰۷)

هرگاه جبّاری بخواهد آل محمد علیهم السلام را نابود کند، خداوند او را درهم می‌شکند.

این حدیث، آیه‌ای را به دشمنی با آل محمد علیهم السلام ربط داده که در منظومه سیاق سخن از فساد یهود است، در حالی که سوره مائده آخرین سوره نازل شده است، و دغدغه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام فضای آن را فراگرفته و در زمان نزول آن، فساد یهود بدون تسلیحات نظامی و بدون تشکیلات سیاسی بوده است.

عبارت «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» اشاره به یکی از صفات رذیله یهود یعنی جنگ افروزی برای براندازی نظام اسلامی و حکومت مسلمانان است، که خداوند وعده خاموش کردن آن را داده است. (جوادی آملی، ج ۲۳، ۲۳۶-۲۳۷) «أَطْفَأَهَا اللَّهُ» یعنی: خداوند با ذلت و خواری آبادی‌های یهود را نابود و شوکت‌شان را ریشه کن نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنی‌النضیر و بنی‌قینقاع را تبعید کرد، بنی‌قریظه را کشت، اهل خیبر را هزیمت داد و بر فدک مستولی شد. (طبرسی، ج ۳، ۳۴۱)

براین اساس فتنه‌های یهود در صدر اسلام بارزترین مصداق تاریخی برای فساد اول‌شان بوده که در مطلع سوره اسراء به آن اشاره شده است.

دیدگاه‌ها درباره تعیین مصداق تاریخی شکست اول بنی‌اسرائیل

در این زمینه سه دیدگاه مفسران ارائه و نقد می‌گردد. سپس دیدگاه برگزیده با شواهدی مطرح می‌شود.

دیدگاه اول: حمله بخت نصر بر بنی‌اسرائیل - نقد

اکثر مفسران مصداق شکست اول را حمله بخت نصر بر بنی‌اسرائیل می‌دانند. در تاریخ ثبت شده که پادشاهی به نام بخت نصر بر یهود هجوم آورد و آنها را مجبور به اقامت در بابل کرد. دوران اسارت بابلی مشهور است. این حمله را مصداق شکست اول یهود در آیه ذکر کرده‌اند. (طبری، ج ۱۵، ۱۴؛ زمخشری، ج ۲، ۶۵۰؛ طباطبایی، ج ۱۳، ۴۰؛ ابن عاشور، ج ۱۴، ۳۲؛ جوادی آملی، ذیل آیه) حمله بخت نصر بر بنی‌اسرائیل در پی آزارهایی بوده که آنها بر یک پیامبر والامقام به نام ارمیاء وارد کرده‌اند. (زمخشری، ج ۲، ۶۵۰؛ آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱)

بعضی مفسران، این نظریه را با استناد به منابع یهودی نقل کرده‌اند. (آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱) یک نظریه شاذ حمله بخت نصر را مصداق شکست دوم بنی‌اسرائیل می‌داند. (هواری، تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۲، ۴۰۴)

نقد اول: بخت نصر به گواهی همین تفاسیر، پادشاهی ظالم و خونریز بوده، نمی‌تواند با

تعبیر: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» سازگار باشد. توضیح این مطلب، پیشتر در مبحث دیدگاه‌های تفسیری در مفهوم «عِبَادًا لَنَا»، ارائه شد.

نقد دوم: ظاهراً مصدر این داستان، یک روایت منتقله بوده که از یهود به مسلمانان رسیده است. بحارالانوار داستان درگیری بخت نصر با بنی اسرائیل و پیروزی وی بر آنها را به نقل از قصص الانبیاء از شیخ صدوق از وهب بن منبه، مفصل شرح می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۳۶۴-۳۷۰) و پس از شرح مطوّل، در ارزشیابی این داستان می‌گوید:

به این قصه منقول از وهب اعتمادی نیست، چون در روایات ائمه شاهی بر آن یافت نمی‌شود و مخالف اخبار معتبر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۳۷۰)

متأسفانه داستانی که وهب بن منبه متفرد به نقل آن است و گذشته از سند، به لحاظ محتوا با نقدهای جدی روبروست، مبنای ده‌ها کتاب تفسیری اسلامی قرار گرفته است. (برخی نقدها در مقاله حاضر ارائه شد)

دیدگاه دوم: قیام مسلمانان صدر اسلام و اخراج یهود از جزیره العرب

برخی پژوهشگران شکست اول را قیام مسلمانان بر ضد یهود مدینه و اخراج‌شان از جزیره العرب به امر پیامبر می‌دانند. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۲۱۲)

دیدگاه سوم: شورش فلسطینی‌ها بر ضد اسرائیل

برخی مفسران گفته‌اند: مصداق شکست اول این است که در قرن اخیر فلسطینیان بر اسرائیل شورش کردند و پیروزی بزرگی به دست آوردند. (انصاری، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۸)

نقد دیدگاه دوم و سوم: اگرچه مصداق‌های خوبی مطرح شده اما باید در پی مصداق‌های باشیم که بارزتر باشد، لذا نگارنده در دیدگاه چهارم مصداق شکست یهود به دست مسلمانان فاتح شام را برگزیده است.

دیدگاه چهارم: فتح شام به دست یاران حضرت علی (ع) - نظر برگزیده

فتح بیت المقدس توسط مسلمانان از رویدادهای مهم تاریخ است که می‌تواند بارزترین مصداق شکست اول بنی اسرائیل باشد. مورخان ماجرا را چنین گزارش کرده‌اند:

بین سال‌های ۱۷-۱۵ هجری قمری (به اختلاف تواریخ) مسلمانان در مسیر فتوحات چشم‌گیر خود به شام رسیدند و تصمیم داشتند به سوی بیت المقدس پیشروی کنند. ابو عبیده جراح و معاذ بن جبل که فرماندهان قوای اسلام بودند جهت کسب تکلیف، نامه‌ای به خلیفه وقت عمر بن خطاب نوشتند. خلیفه، به منظور مشورت خواهی،

نامه را بر مسلمانان خواند، و خود در این کار تردید داشت. عثمان رأی مخالف داد. اما امیرمؤمنان علی علیه السلام، پیشروی را به صلاح اسلام و مسلمین دانست و عمر را تشویق کرد تا: «به فرمانده سپاه بنویسد که به سوی بیت المقدس پیش رود و پس از فتح آن به سرزمین قیصر داخل شود و مطمئن باشد که پیروزی از آن اوست چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبلاً این پیروزی بزرگ را پیشگویی کرده است.» این شد که عمر موافقت کرد و مسلمانان بیت المقدس را فتح نموده و از مردم قدس به پرداخت خراج تعهد گرفتند. این فتح بزرگ شوکت و قدرت یهود را چنان درهم شکست که حتی حق سکونت در بیت المقدس را نداشتند و باید به مسلمانان جزیه می پرداختند و این نهایت خواری و ذلت آنها بود. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۳۰۱؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۱۳-۱۱۲)

در برخی نقل‌ها وقتی ابو عبیده پیکی فرستاد تا کسب تکلیف کند، عمر و اصحاب چنان ترسیدند، که از وحشت به گریه افتادند. اما حضرت علی علیه السلام به آنها فرمود:

أبشروا رحمکم الله تعالی، فان هذه الواقعة یکون فیها آیه من آیات الله تعالی و اعلموا ان هذه الواقعة هی التي ذکرها رسول الله صلی الله علیه و آله التي یبقی ذکرها الی الابد. (واقدی، ج ۱، ۱۷۷)

دلیل روایی در تأیید نظر برگزیده

بدیهی است که هر فتحی به نام خلیفه وقت ثبت شود. فتوحات اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، در تاریخ به نام عمر یا ابوبکر رقم خورده است. حضرت علی علیه السلام، در پی آوازه نبوده و درباره انتساب فتوحات به افراد فرموده است:

... ثم فتح الله علیها الفتوح، فأثرت بعد الفاقة، وتولت بعد الجهد والمخمصة فحسن فی عیونها من الاسلام ما كان سمجا، وثبت فی قلوب کثیرم منها من الدین ما كان مضطربا، وقالت: لولایته حق لما كان کذا، ثم نسبت تلك الفتوح إلى آراء ولانها، وحسن تدبیر الامراء القائمين بها، فتأكد عند الناس نباهة قوم وحمول آخرین، فکنا نحن ممن حمل ذکره، وخبث ناره، وانقطع صوته وصیته، حتی أكل الدهر علینا وشرب، ومضت السنون والأحقاب بما فیها، ومات کثیر ممن یعرف، ونشأ کثیر ممن لا یعرف... (شرح نهج البلاغة ابن أبي الحدید، ج ۲۰، ۲۹۸)؛

فتوحات باعث شد مسلمانان قدرت مادی بیابند و عظمت اسلام به چشم مردم بیاید... سپس مردم این فتوحات را به والیان و حاکمان وقت نسبت دادند، و در نظرشان: عده‌ای هشیار، و عده‌ای دیگر سست بوده‌اند. لیکن ما جزو کسانی بودیم که نامشان از یادها رفت و آوازه‌شان از میان مردم رخت بریست...

در این میان، برخی مورخان به هدف خشنودی حاکمان، رشادت‌های قهرمانان جنگ‌ها را

در صورت شیعه بودن) کتمان می‌کردند، و برعکس، برای افرادی که مشارکت مفید نداشتند، جهت تملق نزد حکام جعل حماسه می‌کردند. شواهد روایی صریح‌تری نیز بر این نظریه وجود دارد که در بحث پایانی مقاله خواهد آمد.

شواهد تاریخی در تأیید ارتباط فتح شام با یاران حضرت علی علیه السلام

اخیراً محققان، منابع معتبر تاریخی را بازخوانی کرده، به بررسی یکایک فتوحات اسلامی، پرداخته، هر کدام از این پیروزی‌ها را نتیجه رشادت تنی چند از شاگردان حضرت علی علیه السلام یافته‌اند. مثلاً درباره جنگ یرموک (از فتوحات شامات) و نقش مؤثر مالک اشتر، گفته‌اند:

مالک اشتر یار وفادار امیرالمؤمنین علیه السلام، اولین پیش‌تاز این معرکه سخت بود. او با ماهان قوی‌ترین مرد جنگ در سپاه رومیان جنگ نمایانی کرد، و او را به قتل رساند یا به هزیمت واداشت. این شکست بزرگ باعث وحشت رومیان و دست‌نشانده‌های یهودیشان شد و منجر به پیروزی مسلمانان گشت. مالک اشتر در این جنگ، ۱۳ تن از بزرگ‌ترین قهرمانان دشمن را به هلاکت رسانید. (کورانی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۴۰۸-۴۱۳؛ به نقل از تاریخ دمشق: ج ۵۶، ۳۷۹)

آیت و نشانه الهی که در پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده «أبشروا... فان هذه الواقعة يكون فيها آية من آيات الله تعالى...»، وجود مالک اشتر و رشادت‌های اوست که با آیه ۵ اسراء مطابقت دارد:

فَجَاسُوا خَلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا؛ (کورانی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۴۲۱-۴۲۲)

یعنی شیعیان حضرت علی علیه السلام، با شجاعت وارد فلسطین شدند، و در تعقیب جنگجویان روم و دست‌نشانده‌های یهودیشان، یک یک خانه‌ها را می‌گشتند.

کورانی تنها به ذکر مختصر مصادیق مورد نظر خود پرداخته و فرصتی برای نقد و بررسی آراء مختلف به لحاظ دلالت الفاظ آیات نداشته؛ حتی به ذکر تطبیق شواهد تاریخی مورد ادعای سایر مفسران نیز نپرداخته است.

بر این اساس بارزترین مصداق شکست اول بنی اسرائیل، فتح شام به دست یاران حضرت علی علیه السلام می‌باشد.

دیدگاه نگارنده در مصداق یابی علو بنی اسرائیل - تحلیل

درباره علو بنی اسرائیل و مصداق تاریخی آن کمتر کسی سخن گفته است. شاید این سکوت مفسران از آن جهت است که علو این قوم را با فسادشان یکی می‌دانند. اما شایسته است که

این جا دو سؤال مطرح شود:

اولاً آیات به چند علو اشاره دارند؟

ثانیاً مصداق تاریخی علو بنی اسرائیل چیست؟

در پاسخ سؤال نخست باید گفت: برخی عبارات یک علو را بر می‌تابد: «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا».

اما عبارات بعدی احتمال دو علو را تقویت می‌نماید:

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ؛ (طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۸، ۲۹۲)

واژه رَدَدْنَا به معنای برمی‌گردانیم و واژه كَرَّةٌ به معنای حمله تکراری است.

كَرَّةٌ یعنی بازگشت به حمله و تکرار هجوم پس از عقب‌نشینی و شکست. (المیدانی،

معارض التفكير و دقائق التدبر، ج ۹، ۵۵۶)

بدین ترتیب احتمال می‌رود که بنی اسرائیل هر دو فساد را در حالت سلطه و علو، مرتکب می‌شوند و باید دنبال دو مصداق علو در تاریخ یهود باشیم. لذا در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت:

مصداق تاریخی علو اول: اگر دو علو را بپذیریم، علو اول را در صدر اسلام می‌یابیم. توطئه‌های همه‌جانبه یهود در صدر اسلام، از نظر گذشت. شاید بتوانیم فعالیت‌های مذکور در آن بحث را مصداق علو اول دانسته، و در پی آن فساد اول بنی اسرائیل (در صدر اسلام) را فساد بدون تشکیلات سیاسی آشکار بدانیم. به نظر نگارنده به همین دلیل، آیات تصریحی بر دو علو ندارد.

مصداق تاریخی علو دوم: بهترین مصداق برای علو دوم از نظر نگارنده، تشکیلات سیاسی امروز حکومت غاصب اسرائیل است که عبارت: «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»، این تفسیر را بر می‌تابد. بر این اساس به نظر می‌رسد: «وَلِيَتَّبِعُوا مَا عَلَوُا تَتَّبِعُوا» یعنی مهدویان، تشکیلات آنان را؛ و آن چه را اسرائیلیان بر آن استیلا و حاکمیت دارند، نابود می‌کنند.

جمع‌بندی: شاید علو این قوم چند مصداق در تاریخ داشته باشد اما علو کبیر و بی‌نظیرشان یکی است و مصداق آن در زمان معاصر می‌باشد.

دیدگاه‌ها درباره فساد دوم بنی اسرائیل - نقد و بررسی

اگرچه بسیاری از مفسران، درباره مصداق تاریخی فساد دوم بنی اسرائیل سکوت کرده‌اند. (طوسی، ج ۶، ۴۴۸؛ طبرسی، ج ۶، ۶۱۵؛ آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱؛ طباطبایی، ج ۱۳، ۴۰؛ جوادی

آملی، ذیل آیه) اما دیدگاه‌های پراکنده محققان در این زمینه، در سه محور قابل طرح است. قتل حضرت یحیی علیه السلام، تکذیب حضرت عیسی علیه السلام و ستم‌های همه‌جانبه اسرائیل در زمان معاصر.

دو دیدگاه قتل حضرت یحیی یا تکذیب حضرت عیسی توسط بنی اسرائیل

برخی مفسران قتل حضرت یحیی علیه السلام را بهترین مصداق برای فساد دوم بنی اسرائیل دانسته‌اند. (طبری، ج ۱۵، ۱۷؛ زمخشری، ج ۲، ۶۵۲) اشکال‌های وارد بر این دیدگاه خواهد آمد. برخی دیگر از مفسران، فساد دوم بنی اسرائیل را بر تکذیب حضرت عیسی علیه السلام و تمرد یهود بر رومیان تطبیق داده‌اند. (ابن عاشور، ج ۱۴، ۳۲)

نقد‌های وارد بر دو دیدگاه گذشته

نقد اول: اگرچه قتل حضرت یحیی علیه السلام و تکذیب حضرت عیسی علیه السلام مصداق فسادند؛ اما از نظر نگارنده آیات سوره اسراء، فساد بزرگ‌تری را هدف گرفته، و مصداق مورد نظر باید عظیم‌تر از قتل و تکذیب یک پیامبر باشد.

نقد دوم: از ظاهر آیات اسراء بر می‌آید که در فساد دوم، یهود بر همان قومی مسلط می‌شوند که قبلاً نیز از آنها شکست خورده‌اند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ». این همانی، در دو دیدگاه مذکور مشاهده نمی‌شود.

نقد سوم: ظاهر آیات حاکی از تحقق یک علو بزرگ است. یعنی بنی اسرائیل به یک حاکمیت وسیع و چشمگیر دست می‌یابند و در پی آن دست به فساد دوم می‌زنند. اما هیچ‌یک از دیدگاه‌های مطرح شده اشاره‌ای به این علو ندارند و اصلاً علو و حاکمیت یهود در این دیدگاه‌ها جایی ندارد.

دیدگاه سوم: فساد همه‌جانبه اسرائیل غاصب - نظر برگزیده

در عبارت: «وَلْتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» (اسراء: ۴) خطاب وحی به بنی اسرائیل این است که شما به لطف و امداد خداوند، که عده و عده به شما ارزانی فرمود، بر دشمن پیروز دیروز حاکم می‌شوید، پس مراقب باشید که اگر در حال اقتدار احسان کنید، به خود نیکی کرده‌اید؛ و اگر ستم کنید، به خود کرده‌اید: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجْهَيْكُمْ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...» (اسراء: ۶-۷) پیش‌گویی بعدی آیات، وعده شکست دوم بنی اسرائیل است: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسْوَءَ أَوْجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عُلُوًّا تَتَّبِعُونَ» و این در پی فساد دوم بنی اسرائیل خواهد بود.

معدودی از قرآن پژوهان معاصر، مصداق فساد دوم راضلم همه جانبه دولت اسرائیل و اشغال فلسطین دانسته اند. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۲۱۲؛ الخالدی، ۱۹۹۸: م: ۳۴۲-۳۳۷؛ انصاری، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۸؛ کورانی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۴۲۱-۴۲۲) تجاوز گسترده اسرائیل و نقشه تصرف از نیل تا فرات و اخراج مسلمانان از وطن خود و ایجاد شبکه های جاسوسی در جهان و گردآوری نیروهای خود از شرق و غرب و انواع کارهای فسادانگیز مؤید این نظریه است. (قرائتی، ج ۵، ۲۰)

بنابراین بهترین مصداق فساد دوم از نظر نگارنده، فساد کنونی اسرائیل در عصر حاضر است که به جنگ های وسیع چند بعدی نرم و سخت ضد خط فکری اسلام و اهل بیت علیهم السلام می پردازد و کشتار و تجاوز به مسلمین را ادامه داده است. از آن جا که «لْتُفْسِدَنَّ» مطلق آمده است؛ فساد شامل انواع فسادهای جانی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می باشد. (قرائتی، ج ۵، ۲۲)

دیدگاه ها درباره شکست دوم یا نهایی بنی اسرائیل - نقد و بررسی

اکثر قریب به اتفاق مفسران، مصداق شکست نهایی بنی اسرائیل، را به دوران های تاریخی پیشین تطبیق داده اند. این جا دو دیدگاه مشهورتر همراه با نقد و بررسی ارائه می گردد. سپس دیدگاه سوم که ارتباط این آیات با مهدویت است، به عنوان نظر برگزیده همراه با مؤیدات تفسیری، تاریخی و روایی مطرح می شود.

دو دیدگاه: شکست بنی اسرائیل از اسپانوس رومی یا هیتلر آلمانی

برخی مفسران درباره مصداق تاریخی شکست دوم یا نهایی اظهار نظر نکرده اند (طوسی، ج ۶، ۴۴۸؛ زمخشری، ج ۲، ۶۵۰؛ ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ۱۶۵)؛ برخی نیز فقط به نقل اقوال پرداخته، ترجیح و تعیین مصداق را فاقد فایده هدایتی می دانند. (آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۲، ۳۲)

اکثر مفسران، دومین گروه شکست دهنده بنی اسرائیل را رومیان شرور: اسپانوس یا وزیرش طرطوز، دانسته اند که یهود را شکست داده اند. (طبری، ج ۱۵، ۱۹؛ آلوسی، ج ۸، ۱۹-۲۱؛ ابن عاشور، ج ۱۴، ۳۲؛ طباطبایی، ج ۱۳، ۴۲؛ جوادی آملی، ذیل آیه) معدودی از مفسران نیز شکست دوم یهود را حمله هیتلر و نازی های آلمان می دانند. (سیدقطب، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۲۱۴) گفتنی است که سیدقطب شکست سوم و نهایی را در آینده محقق الوقوع می داند. (همو)

نقد دو دیدگاه

نقد اول: ناهمخوانی با قرینه لفظی «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»: این عبارت حاکی از آن است که بنی اسرائیل در زمان علو و حاکمیت خویش، بر قومی چیره می‌شود که در وعده اول، از همان قوم شکست خورده است. در فساد دوم، نیز به همان قوم ستم می‌کند، و در وعده دوم از همان قوم شکست می‌خورد. اما در این دو دیدگاه، این همانی دو گروه پیروز، محقق نمی‌شود. بخت نصر بابلی کجا، و پادشاهان روم، یا هیتلر آلمانی کجا!

نقد دوم: ناهمخوانی با قرینه لفظی (عبادا لنا): این عبارت براساس مباحث پیش گفته، اشاره به بندگان مؤمن دارد. این دو دیدگاه با آن سازگار نیست.

اگرچه این رخدادها می‌توانند مصداق مهمی از شکست بنی اسرائیل در تاریخ باشند، اما بدیهی است که اگر مصداق بارزتری یافت شود، ترجیح داده می‌شود. لذا نگارنده دیدگاه دیگری را برگزیده که سخن از شکست بسیار بزرگ‌تری دارد و با قرائن حالی و مقالی آیات هم خوانی دارد.

دیدگاه سوم: حضرت مهدی علیه السلام و نابودی اسرائیل - نظر برگزیده

براساس مباحث پیش‌گفته یهود در هر دو وهله بر مسلمانان، ستم می‌کند، و از مسلمانان شکست می‌خورد. شکست اول از نظر نگارنده، در صدر اسلام به فرمان حضرت علی علیه السلام و به دست شاگردان مؤمن و شجاع ایشان در فتح شام رخ داده است.

اینک سؤال این است که با توجه به مباحث تفسیری، شکست وهله آخر، بر کدام مصداق تاریخی قابل تطبیق است؟ فرضیه مقاله این است که: این شکست در تاریخ رخ نداده، و اگر شکستی رخ داده، هنوز باید شکست نهایی و خواری بزرگ‌تری را برای بنی اسرائیل انتظار داشت، که در آستانه ظهور یا در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به تحقق نهایی برسد. اینک با توجه به دلالت الفاظ، قرائن پیوسته برای تأیید این نظریه ارائه می‌گردد.

حضرت مهدی و نابودی اسرائیل - قرائن پیوسته لفظی

اولاً: «وَعَدُ الْآخِرَةِ»: که به معنای وعده پایانی می‌باشد. این عبارت در آیه ۱۰۴ سوره اسراء تکرار شده «وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» و بسیاری از مفسران و مترجمان قرآن، معنای آن را به خطا «وعده جهان آخرت» پنداشته‌اند. (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۲، ۳۰۹) این آیه که در فرازهای پایانی سوره اسراء قرار دارد، ارتباط روشنی با «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ» در آیات آغازین سوره دارد، و مراد آن، تجمیع یهود در

ارض مقدس فلسطین به اراده خداوند است. (طباطبایی، ج ۱۳، ۲۲۰)

عبارت «وَعْدُ الْأَجْرَةِ» به نظر می‌رسد وعده پایانی است؛ و به موعود ادیان، حضرت مهدی علیه السلام مرتبط است و پس از آن دیگر قوم بنی اسرائیل سلطه و غلبه نخواهند داشت. بنابراین نمی‌توان تفاسیری را پذیرفت که شکست دوم یهود را برحمله روم تطبیق داده‌اند، زیرا این شکست، نهایی نبوده در برهه‌های بعدی تاریخ، سلطه دوباره یهود را در پی داشته است.

ثانیاً «وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ»: این عبارت گویای آن است که قوم پیروز در وعده دوم، همان قوم پیروز در وعده نخستین هستند. این قوم در وهله آخر برای دستگیری بنی اسرائیل داخل مسجد الاقصی خواهند شد همان‌گونه که در وهله نخست داخل مسجد شده بودند. در حالی که در دو دیدگاه مردود گذشته اسپانوس یا هیتلر برای دستگیری بنی اسرائیل وارد مسجد دستگیر نشده‌اند.

ثالثاً «لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَتَّبِعُوا»: به معنای نابودی همه افراد قوم بنی اسرائیل تا نفر آخر می‌باشد. علامه برای تبیین این مطلب می‌گوید:

والمقايسة بين الوعدين أعنى قوله: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا» إلخ وقوله: «لِيَسْؤُوا وُجُوهَكُمْ» إلخ يعطى أن الثاني كان أشد على بني إسرائيل وأمر وقد كادوا أن يفنوا ويبيدوا فيه عن آخرهم وكفى في ذلك قوله تعالى: «وَلْيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَتَّبِعُوا». (طباطبایی، ج ۱۳، ۴۲)

تاریخ گواهی می‌دهد که پس از شکست‌های سابق، بسیاری از افراد قوم بنی اسرائیل، زنده می‌مانند و به زندگی خود ادامه می‌دهند. اگر چنین حادثه‌ای در طول تاریخ رخ نداده که همه این قوم را تار و مار کند، پس منطقی است که منتظر این رخداد در آینده تاریخ باشیم.

حضرت مهدی علیه السلام و نابودی اسرائیل در تفاسیر شیعه

معدودی از مفسران شیعه به ارتباط این آیات با حرکت مهدوی توجه کرده و گفته‌اند: این شکست عظیم در سایه حضرت مهدی علیه السلام به اسرائیل وارد خواهد شد که زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد. این محققان بهترین مصداق برای مفهوم آیات را این می‌دانند که: شکست نهایی بنی اسرائیل پس از فسادهای عظیم در دنیای معاصر، همان وعده‌ی الهی است که به دست مسلمانان و یاران حضرت مهدی علیه السلام، با فتح مسجد الاقصی صورت خواهد گرفت: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْأَجْرَةِ لِيَسْؤُوا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَتَّبِعُوا» تا این بار دشمن را رسوا و روسیاه گرداند و ارکان شوکت و حکومت‌شان را درهم بشکند.

خصوصاً که سیاق این آیات حاکی از علوّ و غلبه بنی اسرائیل بر همان قومی است که در وهله اول شکست‌شان داده بودند. (انصاری، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۸؛ صادقی تهرانی، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۲۸۲؛ کورانی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۴۲۱-۴۲۲)

حضرت مهدی علیه السلام و نابودی اسرائیل در تفاسیر اهل سنت

محققان اهل سنت نیز باتوجه به دلالت الفاظی چون عبادا لنا و اصرار برای حفظ این همانی شکست‌دهندگان مرحله اول و مرحله آخر، گفته‌اند: چون شکست اول یهود به دست مسلمانان صدر اسلام بوده پس لازم است در وهله آخر نیز، این پیروزان غالب، حتماً مسلمان باشند. این مفسران امیدوارند که در آینده تاریخ شاهد تحقق وعده الهی مبنی بر شکست نهایی بنی اسرائیل باشد. (صابونی، صفوة التفاسیر، ج ۲، ۱۴۱؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۲۱۴؛ الخالدی، ۱۹۹۸م: ۳۴۰-۳۳۵) بدیهی است که اهل سنت اشاره‌ای به موضوع مهدویت نکرده‌اند و پنداشته‌اند که شکست نهایی اسرائیل به دست ملت ستم‌دیده فلسطین خواهد بود. نگارنده از این تفسیر صحیح اما ناقص، برای اثبات نظریه مهدویت در سوره اسراء سود جسته است.

حضرت مهدی علیه السلام و نابودی اسرائیل - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیشتر تبیین کردیم که شکست اول به فرمان ولی خدا انجام گرفته است. درباره شکست وهله دوم یهود نیز، نگارنده بر آن است که به دست امام معصوم علیه السلام یا به فرمان ایشان انجام خواهد گرفت. عبادا لنا در وهله اول، (همان شاگردان حضرت علی هستند که) به فرمان غیرمستقیم حضرت، به فتح شام و بیت المقدس اقدام نمودند. چون عمر، خلیفه وقت به گواهی تاریخ (سبحانی، ۳۰۱؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ج ۲، ۱۱۳-۱۱۲؛ واقدی، ج ۱، ۱۷۷)، نه تنها مایل به این فتح نبود؛ بلکه جرأت اقدام به چنین کارستری را نداشت. وی، به توصیه امیرمؤمنان علیه السلام با فرمان فتح موافقت کرد. شواهد تاریخی نیز گواه است که فتوحات اسلامی در پی رشادت و پیش‌تازی یاران و شاگردان حضرت علی علیه السلام به فرجام رسیده‌اند (کورانی، ۱۴۳۲ق: ج ۱، ۴۲۱)؛ بر اساس این همانی دو گروه شکست‌دهنده، باید شکست نهایی یهود را نیز به بندگان خالص خداوند یعنی امام معصوم علیه السلام یا شاگردان وی نسبت داد.

جهت تقویت نظریه برگزیده، «شواهد روائی بر ارتباط سوره اسراء بامهدویت» ارائه خواهد شد.

جدول خلاصه دیدگاه‌های محققان در تطبیق تاریخی فسادها و شکست‌ها

به منظور مقایسه و تأمل بهتر، در مصادیق مذکور و جهت تبیین اختلافات قرآن پژوهان، خلاصه آراء در جدولی ارائه می‌گردد. ناگفته نماند که هریک از این اقوال نماینده یک نظریه است که در میان مفسران، طرفدارانی دارد.

مفسر	مذهب	فساد اول	شکست اول	علو	فساد دوم	شکست دوم	نقد و بررسی
طبری	سنی	قتل زکریا و پیامبران	حمله بخت نصر بر بنی اسرائیل	آزادی بنی اسرائیل به کمک یکی از سلاطین فارس	قتل یحیی <small>علیه السلام</small>	هجوم انطیاخوس (یا اسپیانوس)	معاصر نبودن یحیی و زکریا با بخت نصر و اسپیانوس و ضعف راوی
طبری	شیعه	فتح بیت المقدس در صدر اسلام	طرح نظریه های مختلف بدون ترجیح			طیطوس رومی راویران کرد (تا زمان خلیفه دوم ویران ماند)	فتح بیت المقدس مصداق فساد نیست مصداق شکست بنی اسرائیل است
زمخشری	سنی	قتل زکریا و حبس ارمیا	حمله بخت نصر	آبادی بیت المقدس، زمان هخامنشی	قتل یحیی یا قصد قتل عیسی		مشابه نظر طبری
آلوسی	سنی	قتل زکریا و تهمت زنا به زکریا بامریم و کشتار بر سر تاج و تخت	حمله بخت نصر			طرح نظریه های مختلف بدون ترجیح	استناد صریح حمله بخت نصر به منابع یهود و فاصله زمانی میان بخت نصر و زکریا
ابن عاشور	سنی	حمله بخت نصر پادشاه بابل بر اورشلیم	به قدرت رسیدن در زمان کوروش	تکذیب عیسی و تمرد بر رومیان	حمله اسپیانوس و ویران ماندن قدس تا ظهور اسلام	یکی نبودن دو گروه پیروز، مؤمن نبودن آنان، عدم صدق "عباداً لنا"	
سید قطب	سنی	فساد بنی اسرائیل در صدر اسلام	قیام مسلمانان بر ضد بنی اسرائیل و اخراج شان از جزیره العرب به امر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>		تشکیل دولت اسرائیل و ظلم به عرب های صاحب زمین	حمله هیتر بر یهود * شکست سوم در آینده طبق وعده قاطع الهی	* نزدیک به نظر ارجح نگارنده با وجود اشکال: عدم اشاره به فتح مسلمین
علامه طباطبای ی	شیعه	حمله بخت نصر پادشاه بابل و اسارت در بابل	آزاد سازی یهود توسط کورش و بازگشت شان از بابل به بیت المقدس		حمله اسپیانوس رومی توسط وزیرش طرطوز	یکی نبودن دو گروه پیروز، مؤمن نبودن آنان، عدم صدق "عباداً لنا"	

مفسر	مذهب	فساد اول	شکست اول	علو	فساد دوم	شکست دوم	نقد و بررسی
ابراهیم انصاری	شیعه	تشکیل دولت اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم	اتحاد مسلمین برضد یهود، آزادی بیت المقدس در گذشته		هجوم و اشغال مسجدالاقصی	* انتظار وعده فتح و نصرت الهی	* نزدیک به نظر ارجح نگارنده با این اشکال که آزادی قدس در گذشته، منجر به نابودی اسرائیل نشد
محسن قرآنی	شیعه					* شکست نهایی به دست امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small>	* نظر ارجح نگارنده در مقاله پیش رو
صلاح عبد الفتاح الخالدی	سنی	فساد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اسرائیل و قصد جان پیامبر در صدر اسلام	مقابله اصحاب با یهود، اخراج شان از جزیره العرب، فتح شام	علو و غلبه صهیونیسم در جهان معاصر	* شکست دوم در آینده طبق وعده قاطع الهی محقق خواهد شد	* نزدیک به نظر ارجح نگارنده و ناقص به دلیل عدم اشاره به مهدویت	
علی کورانی	شیعه		مقابله مسلمانان صدر اسلام		چیرگی امروز اسرائیل بر مسلمانان	* شکست نهایی به دست امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small>	* نظر ارجح نگارنده در مقاله پیش رو
علامه جوادی آملی	شیعه		حمله بخت نصر پادشاه بابل و اسارت و محاصره یهود در بابل	آزادسازی یهود توسط کورش و بازگشتشان از بابل به بیت المقدس	حمله روم بر یهود	همان اشکال وارد بر علامه طباطبائی	

شواهد روایی ارتباط سوره اسراء با مهدویت

گفته شد مصداق برگزیده برای شکست نهایی بنی اسرائیل در سوره اسراء، نابودی آنها در زمان ظهور یا آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. این نظریه، سوره اسراء را با موضوع مهدویت مرتبط می‌داند. اینک سؤال این است که چه شواهد روایی برای تقویت این نظر وجود دارد؟ با واکاوی منابع حدیثی دو گونه روایت در تأیید این نظریه یافت شد. یکی: روایات فضیلت تلاوت سوره، و دیگری: روایات تطبیق شکست‌ها و پیروزی‌های مذکور در سوره.

ارتباط سوره اسراء با مهدویت براساس روایات فضیلت تلاوت سوره

خاصیت سوره اسراء در روایت امام صادق عجل الله تعالی فرجه، چنین گزارش شده است:

عن الحسين بن علي بن أبي حمزة الثمالي عن الحسين بن أبي العلاء عن أبي عبد الله عجل الله تعالی فرجه

قَالَ: (مَا مِنْ عَبْدٍ قَرَأَ سُورَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَدْرِكَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ)
 وَيَكُونُ مِنْ أَصْحَابِهِ؛ (عیاشی، ج ۲، ۲۷۶؛ ابن بابویه صدوق، ۱۰۷ و ۲۴۴؛ حرعاملی،
 ج ۴۱۱، ۷)

هر کسی (از بندگان خدا) سوره بنی اسرائیل را هر شب جمعه تلاوت کند، حتماً قبل از
 پایان عمرش محضر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را درک می کند و از اصحاب ایشان خواهد بود.

این حدیث در تفاسیر امامیه نیز نقل شده است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش: ج ۷، ۲۹۷؛
 عروسی حویزی، ج ۳، ۹۷؛ قرائتی، ج ۵، ۲۰)

اعتبارسنجی مضمون حدیث فضیلت سوره اسراء

در راستای اعتبارسنجی این حدیث، فارغ از تحلیل سند و رجال، مضمون آن را در
 قدیمی ترین منابع مکتوب حدیثی جست و جو کردیم، چرا که قدمت منبع مکتوب، خود از جمله
 معیارهای اعتبار حدیث است. پس از احراز وجود این حدیث در منابع اصیلی چون تفسیر عیاشی
 (ت ۳۲۰ ق)، و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال شیخ صدوق (ت ۳۸۱ ق)، در مقام ارزیابی محتوایی
 حدیث، مضمون آن با روایت دیگری از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ سنجیده شد:

عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ الْمُسْتَبَحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ
 حَتَّى يَدْرِكَ الْقَائِمَ وَإِنْ مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (کلینی، ج ۲، ۶۲۰؛ ج ۴، ۶۴۴؛ وابن
 بابویه شیخ صدوق، ۱۱۸-۱۱۹؛ طبرسی، ج ۹، ۳۴۵؛ حرعاملی، ج ۶، ۲۲۷)

حدیث پژوهان بر این باورند که: میزان انطباق و سازگاری محتوای دو حدیث، بر احتمال
 صحت هر دو حدیث می افزاید. در این روش، اعتبار هر روایت نه صرفاً به سند آن، بلکه بیشتر
 به تناسب آن با دیگر روایات برمی گردد. (توران، امداد، ۱۳۹۶: ۹) براین اساس وجود دو حدیث
 مشابه، که سوره اسراء را به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مرتبط می داند، فرضیه نگارنده تقویت
 می شود.

ارتباط فضیلت سوره اسراء با محتوای آن

در تحلیل روایات فضیلت باید چند نکته را در نظر گرفت:

یکم: این دو حدیث از احادیث فضایل سوره می باشند. روایات فضایل و خواص آیات و سور

۱. سور مسبحات به هفت سوره ای گفته می شود که با کلمه ای از مشتقات «س ب ح» آغاز می شود: سوره های اسراء،
 حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی. سوره اسراء با مصدر: «سبحان»، سوره های حدید، حشر و صف، با فعل
 ماضی «سبح»، جمعه و تغابن با مضارع آن یعنی «یسبح» و سوره اعلی با فعل امر سبح آغاز شده اند، که در روایتی،
 نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عنوان مسبحات را به این سوره ها داده است. (سیوطی، ۱۴۲۵ ق: ۷۷۹؛ شحاته، ۱۳۷۴ ش: ۳۰۷)

مجموعه ای از روایات تفسیری به شمار می‌روند که در آنها از جایگاه آیات و سوره و تأثیر دنیوی و اخروی آنها سخن به میان آمده است. (معارف، ۱۳۸۳ ش: ج ۱، ۱۵)

دوم: روایات فضایل و سوره در منابع حدیثی، تفسیری، و علوم قرآنی بازتاب گسترده‌ای یافته‌اند تا جایی که تعداد آنها در جوامع حدیثی و مصادر تفسیری حدود ۲۰۰۰ حدیث گزارش شده است. (بستانی، قاسم و همکاران، ۱۳۹۷: ۹)؛ این تعداد فراوان نشان از جایگاه این دست از روایات دارد و نمی‌توان به راحتی از آنها گذشت.

سوم: با توجه به راهیافت پدیده جعل در این دست از روایات، عموم آنها با سوء فهم و برداشت روبه‌رو هستند که زمینه نگاه منفی به آنها را فراهم آورده است. لذا پژوهشگران قاعده ضرورت رعایت احتیاط در پذیرش آنها را در نظر می‌گیرند.

چهارم: فضایل و خواص آیات و سوره معدّات‌اند، نه علل تامه؛ از این رو قرآن پژوهان، تحصیل خواص و فضایل سوره را منوط به تلاوت همراه با نیت خالص و تدبیر در قرآن می‌دانند. (زرکشی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۶۶) و علم و عمل به مضامین سوره را از شرایط مهم رسیدن به آن فضیلت ذکر کرده‌اند. (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق: ج ۱۱، ۵۰)

پنجم: نکته مهم‌تر این‌که فضیلت هر سوره، با محتوای سوره ارتباط و تناسب دارد. (نصیری، ۱۳۹۵: ۵۳) کسانی که روایات فضیلت سوره را قبول دارند، میان فضیلت مذکور در روایت، با محتوای سوره، ارتباط قابل توجهی قائلند. (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق: ج ۱۱، ۵۰)

ششم: با توجه به مباحث پیش، از دو حدیث این نتیجه به دست می‌آید: تلاوت سوره اسراء در شب جمعه؛ و تلاوت مسبحات هر شب قبل از خواب (به شرط علم و عمل) دو پیامد دارد: در دنیا به درک حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکون، و در آخرت به همسایگی حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم منتهی می‌شود.

هفتم: گفتنی است که با استقصای نگارنده این تعبیر درباره دیگر سوره های قرآن یافت نشد؛ مختص مسبحات و به خصوص سوره اسراء است. نسبت سوره اسراء با مسبحات، نسبت خاص و عام است. این دو حدیث در حکم ذکر خاص (اسراء - مکی) قبل از عام (مسبحات - مدنی) هستند؛ و بر سوره اسراء و ارتباط ویژه‌اش با حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الکون، تأکید دارند.

ارتباط تفسیر آیات خاصی از سوره مسبحات با مهدویت

از آن جا که سوره اسراء یکی از مسبحات به شمار می‌رود، در راستای کشف ارتباط سوره اسراء با مهدویت، و با توجه به روایت دوم، این احتمال به ذهن می‌رسد که شاید مضمون همه سوره

مسیبجات، ارتباطی با مهدویت داشته باشد. شارحان حدیث نیز این احتمال را داده‌اند:

والسبب فی ذلك اما لاشتمال المسبجات علی ذکر القائم، وصفاته وأحواله واما بالخاصیة... (مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۴۹).

در پی واکاوی شواهد روایی جهت تقویت این احتمال، احادیثی یافت شد که محتوای آیات بعضی از سوره مسبجات را جداگانه به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ربط می‌دهند.

سوره حدید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید فرموده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كَفَرَ أَهْلِهَا وَالْكَافُرُ مَيِّتٌ فَيَحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتُحْيِي الْأَرْضُ وَيَحْيِي أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ. (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۶۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ۳۲۵)

سوره صف: تفسیر قمی ذیل آیه ۸ سوره صف آورده است:

«يُرِيدُونَ لِيُظْفِرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ» قَالَ بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَتَّى إِذَا خَرَجَ يَظْهَرُهُ اللَّهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ حَتَّى لَا يَعْبُدَ غَيْرَ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُهُ: «يُنَادِي الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْنَا ظُلْمًا وَجُورًا...». (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۳۶۵)

در تفسیر آیه ۹ سوره صف نیز آورده است:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَإِنَّهَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. (همو: ج ۱، ۲۸۹)

هم چنین از امام صادق علیه السلام ذیل همین آیه روایت شده:

قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ مَعْنَعْنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ [ع] لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ يَا مُؤْمِنُ فِي مُشْرِكٍ فَكَاسِرُنِي وَاقْتُلُهُ. (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۸۱)

نتیجه: این روایات نمونه‌ای از شواهد روایی است که ارتباط محتوایی برخی سوره مسبجات با مهدویت را تأیید می‌کند. براساس روایات فضیلت، فرضیه ارتباط سوره اسراء به طور خاص و سوره مسبجات به طور عام، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تقویت می‌گردد.

ارتباط سوره اسراء با خروج حضرت ولی عصر براساس روایات تطبیق

احادیثی وجود دارد که در صدد مصداق‌یابی برای مفاهیم فسادها و شکست‌ها و پیروزی‌های سوره اسراء بوده، این سوره را با موضوع مهدویت مرتبط می‌کند.

شروع شکست اول بنی اسرائیل به دست خون‌خواهان آل محمد صلی الله علیه و آله قبل از ظهور

حدیث اول: ظاهراً امام صادق فساد اول بنی اسرائیل را به حوادث صدر اسلام و ظلم این قوم

به برخی امامان معصوم علیهم السلام تا حضرت مهدی علیه السلام تاویل می‌کند؛ در شکست اولشان مردمی که خونخواه آل محمدند (عبادنا) قبل از خروج حضرت باگشت خانه به خانه شروع به قتل بنی اسرائیل می‌کنند، سپس با خروج حضرت، این وعده الهی به تحقق کامل می‌انجامد. اما شکست دوم را بر رجعت ائمه علیهم السلام پس از ظهور تطبیق داده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَظَلِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى - وَقَتَلْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لِنُفْسِدَنَّهُ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَ طَعَنَ الْحُسَيْنَ علیه السلام - وَ لَتَعْلَنَ عَلُوًّا كَبِيرًا قَالَ قَتَلَ الْحُسَيْنَ علیه السلام - فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَاهُمَا فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ع فَلَا يَدْعُونَ وَثِرًا لِأَلِّ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام - ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ خُرُوجِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ عَلَيْهِمُ الْبَيْضُ الْمُدْهَبُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَانِ الْمُؤَدُّونَ إِلَى النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحُسَيْنَ قَدْ خَرَجَ حَتَّى لَا يَشْكُ الْمُؤْمِنُونَ فِيهِ وَ أَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَالٍ وَلَا شَيْطَانٍ وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ - فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام جَاءَ الْحُجَّةُ الْمَوْثُ فَيَكُونُ الَّذِي يَعْسَلُهُ وَيَكْفِنُهُ وَيَحْتِطُّهُ وَيَلْحُدُّهُ فِي حُفْرَتِهِ - الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام - وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ . (عیاشی، ۱۳۸۰، ج: ۲، ۲۸۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج: ۶۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۸، ۲۰۶؛ حلی، ۱۴۲۱، ج: ۱۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲۹۷، ۴۵)

شکست اول بنی اسرائیل به دست حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور

در راستای شهادیابی برای حدیث پیشین، روایتی از امام باقر علیه السلام با مضمون مشابه یافت شد که مصداق عبادنا را حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب ایشان می‌داند:

حدیث دوم:

عَنْ حُرَّانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ يَقْرَأُ: بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ ثُمَّ قَالَ: «هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج: ۲، ۲۸۱، ح: ۲۱).

اختلاف محتوایی میان احادیثی از این دست، پژوهشگر را به این نتیجه می‌رساند که آنها را از مقوله تطبیق بدانند نه تفسیر. مفسران نیز در تحلیل روایت اول گفته‌اند:

این روایت مبتنی است بر تصدیق حدیث متواتری که می‌گوید: هر حادثه‌ای که در امت بنی اسرائیل رخ داده حتماً در امت اسلام نیز مشابهنش رخ می‌دهد؛ و اختلاف موجود در این‌گونه روایات، حاکی از آن است که روایت در صدد تطبیق مصادیق است؛ نه تفسیر ظاهر آیات. (طباطبایی، ج ۱۳، ۴۳)

حل اختلاف دو حدیث: جهت حل اختلاف دو حدیث، توجه به چند نکته ضروری است: هر دو حدیث، با اندک اختلافی، میان سوره اسراء و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباط برقرار می‌کنند. هر دو حدیث عباداً لنا را قومی مؤمن، مقتدر، و مبعوث از جانب خداوند می‌دانند. حدیث پژوهان گفته‌اند:

حدیثی که اسم چندین امام را این‌جا ذکر می‌کند، در مقام بیان اوصاف زمان رجعت می‌باشد. (فیض کاشانی، ج ۲، ۴۶۰؛ مازندرانی، ج ۲۶، ۱۲۳؛ یزدی حائری، ج ۱، ۷۱)

حدیث اول که مفصل‌تر است، شروع شکست اول بنی‌اسرائیل را آستانه قبل از ظهور به دست قومی که خون خواه آل محمدند، و تحقق کامل آن را بعد از ظهور می‌داند. اما حدیث دوم که موجز است، خروج قائم عجل الله تعالی فرجه را مصداق شکست اول ذکر می‌کند.

نتیجه: می‌توان دو حدیث را از باب مجمل و مفصل هم‌خانواده شمرد و هر دو را مرتبط با مهدویت دانست. چون قوم خون خواه آل محمد عجل الله تعالی فرجه بی‌تردید در خط اهل بیت علیهم السلام و مهدویت حرکت می‌کنند. به علاوه حرکت این قوم امامی، می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شود.

مسئله: اما نکته مهم این‌که دو روایت مذکور شکست اول را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ربط داده و درباره شکست دوم سکوت کرده‌اند. سؤال این است که آیا در مجامع روایی، شاهدی یافت می‌شود که شکست نهایی بنی‌اسرائیل را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مرتبط بداند و نظریه نگارنده را تأیید کند؟

شکست اول بنی‌اسرائیل به دست حضرت علی و شکست دوم به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه
در پی تقویت نظریه تحقیق روایتی از امام باقر یافتیم که فساد اول بنی‌اسرائیل را بر پیمان شکنی‌های صدر اسلام، غصب خلافت، و نظیر آن تطبیق داده؛ شکست اول‌شان را به دست حضرت علی علیه السلام و اصحابش در جنگ جمل؛ فساد دوم‌شان را به قتل امام حسن و امام حسین علیهم السلام و اسیری بانوان کربلا تطبیق داده؛ و شکست نهایی را به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش بینی کرده است:

حدیث سوم:

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ ... وَأَمَّا قَوْلُهُ وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ أَيُّ أَعْلَمْنَا هُمْ - ثُمَّ انْقَطَعَتْ مَخَاطَبَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ خَاطَبَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لَتُنْفِسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ يَعْنِي فَلَانَا وَ فَلَانَا وَأَصْحَابَهُمَا وَ نَقَضَهُمُ الْعَهْدَ وَ لَتَغْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا يَعْنِي مَا ادَّعَوْهُ مِنَ الْخِلَافَةِ فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَاهُمَا يَعْنِي يَوْمَ

الجمَل بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابَهُ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ أَي طَلَبُوا قَتْلَكُمْ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا يَعْنِي يَتِمُّ وَيَكُونُ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ يَعْنِي بَنِي أُمِيَّةٍ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا مِنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ابْنَيْ عَلِيٍّ وَأَصْحَابِهِمَا فَقَتَلُوا الْحَسِينَ بْنَ عَلِيٍّ وَسَبَّوْا نِسَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا - فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ يَعْنِي الْقَائِمُ وَأَصْحَابَهُ (لَيْسُوا أَوْ جُوهَكُمْ) يَعْنِي يَسُودُونَ وَجُوهَهُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابَهُ - وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَصْحَابَهُ وَلِيَتَّبِعُوا مَا عَلَّمُوا تَثْبِيرًا أَي يَلْعَلُوا عَلَيْكُمْ فَيَقْتُلُوكُمْ ... ثُمَّ خَاطَبَ بَنِي أُمِيَّةٍ فَقَالَ وَإِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا يَعْنِي عَدْتُمْ بِلِسْفِيَانِي عَدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. (قسي، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۱۴، حلی، ۱۴۲۱ ق: ۱۶۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ۱۸۰)

اعتبارسنجی و تحلیل محتوایی حدیث

وجود این روایت در منابع کهن (قسی، قرن ۳) و میانی (حلی، قرن ۸) و متأخر (فیض، قرن ۱۱) به ارزش و اعتبار آن افزوده است. این روایت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شامل مضامین مهمی است که نظریه نگارنده را تا حد زیادی تقویت می‌کند:

فساد اول بنی اسرائیل را به حوادث صدر اسلام تطبیق داده: غضب خلافت، جنگ جمل، قتل ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فاجعه عاشورا.

شکست اول بنی اسرائیل را به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اصحابش ربط داده، شکست دوم و آخرشان را به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ.

این افراد را از بنی اسرائیل فرض کرده است: بنی امیه، قاتلان اهل بیت، غاصبان خلافت، بانیان فاجعه کربلا، و سفیانی.

حل اختلاف حدیث سوم با دو حدیث پیشین

از مضامین این روایات متفاوت برمی آید که آیات آغازین سوره اسراء بر مصادیق متعددی از حوادث تاریخ بنی اسرائیل قابل تطبیق اند. هم چنین می‌توان احتمال داد که حدیث اول در معرض تقطیع آسیب دیده و جابه جایی پس از تقطیع، مضامین احادیث را مختلف نموده است.

نتایج نهایی

یکی از فراهای قرآنی مهم مرتبط با بنی اسرائیل، آیات ابتدای سوره مبارکه اسراء است. از ظاهر این آیات برمی آید که بنی اسرائیل در برهه ای از تاریخ به فساد و تبهکاری می‌پردازند، که

منجر به شکست آنان از یک گروه مؤمن مقتدر می‌گردد. پس از این شکست، سخن از علو و سلطه بنی اسرائیل است. در این علو باز هم به فساد و تبهکاری می‌پردازند. وعده خدا این است که همان گروه مقتدر دوباره وارد مسجد شده، بنی اسرائیل را روسیاه و تار و مار می‌کنند. در تفسیر الفاظ آیات مذکور اختلافات زیادی میان مفسران است. اما از نظر نگارنده بر اساس دلالت الفاظ، دو قوم پیروز که در دو برهه تاریخ، بر بنی اسرائیل شکست بزرگی وارد می‌کنند، مردمی مؤمن و مقتدرند که از جانب خداوند مبعوث شده، شوکت یهود را درهم می‌شکنند. از همه مهم‌تر این که این دو قوم با وجود فاصله زمانی صدها سال، اما در یک خط فکری حرکت می‌کنند و به یک شیوه عمل می‌نمایند.

مفسران در تعیین مصادیق تاریخی این فسادها و شکست‌های بنی اسرائیل اختلافات زیادی دارند. نظر برگزیده نگارنده درباره تعیین این مصداق‌ها در پنج محور خلاصه می‌گردد: فساد اول: یهود در صدر اسلام، به فساد همه‌جانبه و جنگ‌های سخت و نرم بر ضد پیامبر و مسلمانان پرداخته‌اند (هم قبل از بعثت، هم بعد از بعثت؛ هم در مکه، هم در مدینه، هم در شام). شکست اول: مسلمانان و شاگردان حضرت علی علیه السلام هنگام فتح شام، یهودیان را تار و مار کردند و شوکت‌شان را در هم کوبیدند. علو بنی اسرائیل: هزار و اندی سال بعد یهود با تشکیل حکومت غاصب اسرائیل دوباره بر مسلمانان حاکم شدند. تشکیلات سیاسی آنان در زمان معاصر، مصداق علو بنی اسرائیل (میان دو شکست)، است. فساد دوم یا نهایی: در قرن اخیر اسرائیل غاصب به ظلم و فساد همه‌جانبه بر ضد مسلمانان می‌پردازد. شکست نهایی: نابودی اسرائیل به دست منتظران در آستانه ظهور، یا به دست مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پس از ظهور ایشان خواهد بود.

شواهد روائی، مؤید ارتباط سوره اسراء با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این روایات در دو محور روایات فضیلت و روایات تطبیق ارائه شد. در روایات فضیلت آمده است که تلاوت سوره اسراء، انسان را به درک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف می‌کند. روایت تطبیق نیز شکست اول بنی اسرائیل را به دست حضرت علی علیه السلام و اصحاب او؛ و شکست آخر به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و راهیان خط مهدوی می‌داند. این روایات، قرائن گسسته‌ای است که نظریه نگارنده را تقویت می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، بی نا، دوم، ۱۴۰۶ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، بی نا، اول، ۱۳۵۶ش.
- اخوان مقدم، زهره؛ مهدی نژاد، سمیرا، چرایی تعبیر بعثت برای قیام حضرت مهدی علیه السلام، در روایات فریقین، *دوفصل نامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی*، ش ۱۴، زمستان ۱۳۹۴ش.
- استرآبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (مرکز نشر اسلامی)، اول، ۱۴۰۹ق.
- انصاری، پیشگویی قرآن از سرانجام حوادث فلسطین، *درس های از مکتب اسلام*، ش ۱۲، سال ۱۳۵۰، ۱۲ش.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، بی جا، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، سید هاشم، *تفسیر البرهان*، تهران، بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ق.
- البدری، السید سامی، *السیرة النبویه*، تدوین مختصر مع تحقیقات و آثار جدیده، قم، دارالفقه، ۱۴۲۶ق.
- بستانی، قاسم و همکاران، اعتبارسنجی روایات فضایل قرائت قرآن نزد شیعه، *مجله علمی-پژوهشی مطالعات فهم حدیث*، ش ۹، ۱۳۹۷ش.
- بهجت پور، عبدالکریم، *همگام با وحی*، قم، سبط النبی، ۱۳۸۷ش.
- توران، امداد، تحلیل سند و محتوای دو حدیث رضوی درباره خلقت نوری، *مجله علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی*، ش ۲۰، زمستان ۹۶.
- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفاء)*، قم، انتشارات دلیل ما، هفتم، ۱۳۸۷.
- جعفریان، رسول، *سیرة رسول الله صلی الله علیه و آله*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۳ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۷ش. (سوره اسراء در دست چاپ است، لذا از تفسیر ترتیبی مندرج در سایت اسراء استفاده شد)
- حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، بیروت، دارالجیل، دهم، ۱۴۱۳ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، قم، بی نا، ۱۴۲۱ق.

- خالدی، صلاح عبدالفتاح، *الشخصیه اليهودیه من خلال القرآن الکریم*، دمشق، دارالقلم، اول، ۱۹۹۸ م.
- خامه گر، محمد، *ساختار هندسی سوره های قرآن*، بی جا، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- رازی، ابوالفتوح، *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت، دارالشامیه، بی تا.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، بی تا، ۱۴۰۸ ق.
- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، سوم، ۱۴۰۷ ق.
- سبحانی، جعفر، *فروع ولایت*، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۷ ش.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵ ق.
- _____، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- شحاته، عبدالله محمود، *اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم*، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- صابونی، محمدعلی، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۲۱ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی، اول، ۱۴۱۹ ق.
- صالحی، سیدعباس، *مبانی علوم قرآنی و تفسیر ترتیب نزولی*، *مجله پژوهش های قرآنی*، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۶۲ و ۶۳، سال ۱۶، ۱۳۸۹ ش.
- طباطبایی امین، طاهره سادات، *استراتیجیات تحقیق و حدة الأمة الاسلامیه لمواجهة التكفیر (الکیان الصهيونی) فی منظار الشیخ محمد الحسین کاشف الغطاء*، همایش بین المللی محبان اهل بیت علیهم السلام و مسئله تکفیری ها، آبان ۱۳۹۶ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.

- طنطاوی، محمدسید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، نهضة مصر، اول، ۱۹۹۷ م.
- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عارف کشفی، سیدجعفر، *رسول خدا ﷺ و یهود*، قم، چلچراغ، اول، ۱۳۸۸ ش.
- عروسی الحویزی، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، اول، ۱۴۱۵ ق.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیه، اول، ۱۳۸۰ ق.
- فرزین، رضا، *باورها و آیین های یهودی (الن آتزمین)*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، اول، ۱۳۸۵ ش.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، اصفهان، بی نا، اول، ۱۴۰۶ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، اول، ۱۳۸۸ ش.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، سوم، ۱۳۶۳ ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- کورانی، علی، *عصر ظهور*، بی جا، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر، پانزدهم، ۱۳۸۸ ش.
- _____، *قرائه جدیده للفتوحات الاسلامیه*، قم، باقیات، اول، ۱۴۳۲ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، مرکز چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ ق.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول والروضه*، تهران، المكتبة الإسلامیه، اول، ۱۳۸۲ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، بی نا، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- معارف، مجید، *پرسش ها و پاسخ هایی در شناخت تاریخ و علوم قرآنی*، تهران، انتشارات کویر، هشتم، ۱۳۸۳ ش.
- معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چهارم، ۱۳۸۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴.
- میبیدی، رشیدالدین احمدبن ابی سعد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

- میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه، معارج التفکر و دقائق التدبر، دمشق، دارالقلم، اول، ۱۳۶۱ش.
- نصیری، علی، چگونگی تعامل با روایات فضایل و خواص آیات و سور، مجله علمی - پژوهشی علوم حدیث، ش ۷۹، ۱۳۹۵.
- واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۵ق.
- واقدی، محمد بن عمر بن الواقد، المغازی، بیروت، دارالمعرفة الاسلامیة، ۱۴۰۵ق.
- هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، بی جا، دارالبصائر، اول، ۱۴۲۶ق.
- یزدی حائری، علی، الإلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عنه السلام، بیروت، بی نا، اول، ۱۴۲۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میزبانی

سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸

۳۷۶